

1- عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات پوهنتون

سلام

تلفون: +93744212499

ایمیل: khalidashafiq12@gmail.com

معلومات مقاله

تاریخ نشر: 1398/11/23

شماره مقاله در ژورنال: 05

تعداد صفحات: 09

شماره نوبتی مجله: 7 و 8

کلید واژه ها

صحابه، اهل سنت، حفظ حدیث،

عصر فتنه

چکیده

يعتبر الحديث النبوي الشريف ثاني مرجع في مجال التشريع للمسلمين بعد القرآن الكريم، حيث يرجعون إليه في جميع الأوقات و في كل خطب، وذلك من أجل معرفة حكم الشرع في ما يواجهونه من القضايا والنوازل من وقت لآخر.

وكما هو معروف فإن كل ما هو قيم يتم الإعتناء به أكثر، ويتم السعى من أجل الحفاظ عليه بأي وسيلة ممكنة، ويبدل في الحفاظ عليه كل غال ورخيص، فإذا كان هذا هو ديدنا في الأمور الدنيوية فماذا يجب أن يكون عليه تعاملنا بالقران الكريم والسنة النبوية الطاهرة، المرجعين الأساسيين للدين الحنيف.

في هذه الورقة المتواضعة بعنوان "مكانة الصحابة- رضوان الله عنهم- عند أهل السنة ودورهم في رواية الحديث" ناقشنا أن الصحابة رضوان الله عليهم كانوا مثالا في الحفاظ على السنة النبوية، يجب الاحتذاء بهم في هذا المجال في كل عصر وزمان.

لقد تناولت هذه الورقة أن الصحابة رضوان عليهم لم يألوا جهدا في الحفاظ على الأحاديث النبوية، فهم كانوا يحتفظون بها في صدورهم قبل أن يسمح لهم بالكتابة، ولما تهيأت الظروف لحفظها عن طريق الكتابة بادروا إلى حفظها عن طريقها أيضا، كما أنهم اعتنوا بالأسانيد والرواة عند الحاجة، وكل ذلك يدل على مدى اهتمامهم بالسنة المطهرة.

ليس هذا فحسب، بل اعتنى أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم كل الإعتناء بالجانب التطبيقي للسنة النبوية في حياتهم العملية. كما كان للصحابيات دور بارز في الحفاظ على السنة النبوية، وتطبيقها العملي.

معلومات مجله:

مجله علمی پوهنتون سلام، نشرات خویش را از سال 1390 هـ.ش آغاز نموده و دست آورد های زیادی در این زمینه دارد، در ادامه سلسله فعالیت های خویش به تاریخ 1401/03/22 اعتبار نامه خویش را به عنوان یکی از معتبرترین مجله از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور به دست آورد، آدرس: افغانستان، کابل، ناحیه چهارم، کلوله پشته، چهار راهی قلعه بست (گل سرخ)، پوهنتون سلام. [وبسایت: https://salam.edu.af/magazine](https://salam.edu.af/magazine)، ایمیل: salamuk@salam.edu.af، شماره های تماس: +93202230664 و +93788275275 آدرس ارتباطی؛

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين. وبعد!

الله متعال با ارسال رسولان به مردم منت عظیم بر آنها گذاشت، انبیاء من حیث مبشرین و منذرین برای مردم بودند که مردم را به سوی نور و روشنی دعوت کرده و از تاریکی ها آنها را نجات می دادند. همین انبیاء بودند که قافله بشریت را به سوی ایمان و حق رهنمایی کردند. در پیرامون و اطراف انبیاء- صلوات الله وسلامه علیهم - کسانی تربیت شدند و رشد کردند که بعد از انبیاء وظیفه و رسالت ایشان را به مردم می رساندند و به صحابه کرام نامیده شدند. بدون شک صحابه کرام از نگاه علم و عمل بعد از رسول - صلی الله علیه وسلم - بهترین هستند.

الله متعال صحابه کرام را به خاطر نشر پیام قرآن و مصاحبت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - انتخاب کرد. پس صحابه کرام در تمامی امور زندگی شان به راه راست بودند، الله متعال ایشان را به حسن ایمان و سلامت منهاج و قول سدید، و اعمال صالحه و کمال اخلاق توصیف کرد، و رضایت خویش را از صحابه کرام اظهار ساخته و ایشان را به جنت و نعمت های آن وعده داده است.

علماء اسلام نیز بر منزلت و مکانت صحابه کرام تاکید کرده و در کتب مختلف مقام، منزلت و افضلیت ایشان را ذکر نموده اند.

از جانب دیگر صحابه کرام، تابعین و به تعقیب ایشان علمای کرام هر آنچه که به زندگانی رسول - صلی الله علیه وسلم - تعلق میگرفت ولو آن عمل خورد میبود یا بزرگ، حتی مسایلی که به جزئیات زندگانی آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - مربوط می شد مانند طرز غذا خوردن و نوشیدن یا طرز نشستن و برخاستن یا هم به سفر های آن جناب - صلی الله علیه وسلم - ارتباط داشت، توجه بسیار زیاد کرده اند.

موضوعی را که در پیش دارید یکی از تلاش های بندگی بنده (خالده شفیق) میباشد، که بنا بر اهمیت قضیه یاد شد، خواستم به نوبه خویش اثری را تحت عنوان (جایگاه صحابه نزد اهل سنت و نقش ایشان در حفظ و روایت حدیث) بنویسم و با نوشتن آن توانسته باشم به علاقمندان و دوستداران صحابه کرام و کسانی که می خواهند در هر جنبه زندگی از ایشان الگو بگیرند و اعمال ایشان را قدم به قدم تعقیب کنند.

مبحث اول - جایگاه صحابه نزد اهل سنت:

تعریف صحابی:

در لغت: صحابی اسم مشتق از "الصحة" است و آن مصدر صَحِبَ یَصْحَبُ می باشد.¹

لفظ صحابی و مشتقات آن در قرآن کریم در موارد متعدد استعمال شده که چند مثال آن به طور ذیل بیان می گردد: آیه (فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ یَحَاوِرُهُ)²، همچنان: (بِأَصْحَابِ السَّجُنِ)³ همچنان (إِذْ یَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا)⁴ و همچنان می فرماید: (أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)⁵.

و اما در تعریف اصطلاحی نظریات متعددی وجود دارد که در این جا به طور اختصار به بعضی ازین تعریف ها را خدمت تان تقدیم می کنیم: امام قسطلانی در کتاب خویش «المواهب» می گوید:

«صحابی کسی است که با رسول - صلی الله علیه وسلم - در حالت اسلام ملاقات کرده باشد و لو که به یک ساعت هم بوده باشد و سپس با ایمان وفات کرده باشد»⁶

ابن حجر عسقلانی در تعریف صحابی می گوید: «مراد از لقاء عام است خواه به شکل مجالسه باشد یا هم حتی قدم زدن، و یا از طریق وصول یک فرد به فرد دیگر هر چند که با او گپ نزده باشد و دیدار فرد با فرد دیگر نیز در آن شامل میشود خواه خودش یا او ملاقات کرده باشد و یا از طریق شخص دیگر، چنانچه عبدالله ابن مکتوم که خود نابینا بود ولی باز هم از جمله صحابه کرام به شمار می رود».⁷

همچنان در تعریف صحابی می گویند: هر که با رسول - صلی الله علیه وسلم - ملاقات کرده باشد، در حالت ایمان و در حالت ایمان وفات کرده باشد، که این تعریف شامل میشود به هر آنکه با رسول - صلی الله علیه وسلم - ملاقات کرده باشد چه همنشینی شان طویل باشد یا کوتاه، و کسی که جناب رسول - صلی الله علیه - را دیده باشد یا شنیده باشد همه را شامل میشود.

تعریف صحابی نزد اصولیین: صحابی کسی است که با رسول - صلی الله علیه وسلم - ملاقات کرده به ایشان ایمان آورده باشد و به یک مدت طولانی با ایشان ملازمت کرده از ایشان علم را فرا گرفته باشد؛ تا حد که عرفاً لفظ صاحب با او اطلاق شود.⁸

جایگاه و مقام صحابی:

یکی از ویژگی های صحابه کرام - رضی الله عنهم - این است، که در رابطه با روایت حدیث، در مورد عدالت هیچ کدام شان پرسیده نمی شود، به این معنی که صحابه کرام همه عدول اند و تمامی علما به این رای متفق هستند.

الله متعال وصف صحابه کرام را در قرآن کریم در آیات متعدد بیان فرموده است و رسول الله صلی الله علیه و سلم در احادیث زیادی ایشان را توصیف کرده اند، که این جا به ذکر شماری ازین آیات و احادیث اکتفا می کنیم:

• در قرآن

1- الله متعال در سوره فتح می فرماید:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوَارِثِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَآءُ فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرْعَ لِيُعْجِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)¹

¹ المصري: محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصري، لسان العرب، دار صادر - بيروت، چاپ اول، جلد 1، ص 519.

² كهف 34.

³ يوسف 39.

⁴ توبه 40.

⁵ آل عمران 116.

⁶ القسطلانی: أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلانی القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، المكتبة التوفيقية، القاهرة- مصر، جلد 2، ص 693.

⁷ العسقلانی: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، محقق عبد الله بن ضيف الله الرحيلي، چاپ اول، ناشر مطبعه سفير در رياض سال 1422هـ، ص 10.

⁸ المدخل إلى أصول الفقه وتاريخ التشريع الإسلامي: موسي إبراهيم الإبراهيم چاپ اول، سال 1409 هـ - 1989 م

ترجمه: محمد فرستاده خدا است، و کسانی که همراه اویند در برابر کفار سر سخت و در میان خودشان مهربانند، آنها را همواره در حال رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل و بخشش خداوند و خشنودی او را می طلبند، نشانه (عبادت و خشوع) آنها در اثر سجده در چهره های شان پیداست این صفت آنهاست در تورات (موسی)، و صفت آنها در انجیل (عیسی) همانند زرعی است که (خداوند) جوانه های آن را (از اطرافش) بر آورده و تقویت کرده تا سبتر شده و بر ساقه های خود ایستاده به طوری که کشاورزها را به اعجاب و امید دارد، (خدا چنین کرده) تا به وسیله آنها کفار را به خشم و غیظ آورد. خداوند به کسانی از آنان که ایمان آورده و عمل های شایسته انجام داده اند آموزش و پاداشی بزرگ را وعده داده است.

2- در سوره حشر الله متعال می فرماید:

(لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ - وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَجِبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)²

ترجمه: این اموال برای فقیران مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند؛ آنها فضل خداوند و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند، آنها راستگویند و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند. هر مسلمانی را که به سویشان هجرت کند دوست می دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش را باز داشته شده اند، رستگارانند.

3- در سوره فتح می فرماید:

(لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا)³

ترجمه: به راستی خدا هنگامی که مومنان زیر آن درخت با تو بیعت می کردند از آنان خشنود شد و آنچه در دلهایشان بود باز شناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد، و پیروزی نزدیکی را به آنها پاداش داد.

4- و در سوره توبه می فرماید:

(وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)⁴

ترجمه: پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند و باغهای از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

5- و در سوره النمل می فرماید

(قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى)⁵

ترجمه: بگو حمد و ستایش مر خدا راست، و سلامتی باشد به بنده های برگزیده شده الله.

ابن عباس - رضی الله عنهما - می فرماید: (اصحاب رسول - صلی الله علیه وسلم - همانا کسانی بودند که الله متعال آنها را برای رسولش برگزیده بود).⁶ تمامی آیات که در فوق ذکر شد به جایگاه بلند و منزلت عظیم صحابه کرام دلالت دارد که در مواقع مشکلات با رسول - صلی الله علیه وسلم - همراهی کردند و در هیچ حادثه یاری و نصرت پیامبر را ترک نمودند.

• در سنت

در نصوص سنت شریف نیز در مورد فضیلت صحابه کرام احادیث زیادی وارد شده که برخی آن قرار ذیل است:

1- "لَا تَسْبُوا أَصْحَابِي فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا أَدْرَكَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ"⁷

ترجمه: ابو سعید - رضی الله عنه - از رسول - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که ایشان می فرمایند: اصحاب را دشنام ندهید! قسم به ذاتی که جانم در دست اوست اگر هر یک از شما به اندازه کوه احد طلا صدقه بدهد به اندازه یک مشت صدقه آنان نمی رسد.

2- در جای دیگر می فرماید: "خَيْرُكُمْ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ"⁸

ترجمه: "از نگاه وقت بهترین زمانه در میان" شما قرن من است سپس کسانی که بعد از ایشان می آیند، سپس کسانی که بعد از ایشان می آیند.

¹ الفتح 29.

² الحشر 8-9

³ الفتح 18.

⁴ التوبه 100.

⁵ النمل 59.

⁶ العسقلاني: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، سال لاولی - 1415 هـ، 19/1.

⁷ الترمذي: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، الجامع الصحيح سنن الترمذي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق أحمد محمد شاکر و دیگران، جلد پنجم، صفحه 695.

⁸ البخاري: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الجامع الصحيح المختصر، دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، چاپ سوم، 1407 - 1987.

تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، باب لا يشهد على شهادة جور إذا أشهد، رقم حديث 2508، جز 2، ص 938.

مقصود از "خیرکم قرنی" صحابه کرام است، جناب رسول - صلی الله علیه وسلم - در این حدیث شریف خبر داده است که بهترین قرن ها، مطلقاً قرن خود ایشان یعنی در قرن که زندگی کردند میباشد که همزمان با عصر صحابه کرام بود. و طبعاً از این حدیث تقدیم قرن ایشان به دیگر قرن ها به شکل مطلق ظاهر میشود والا اگر چنین نمی بود و خیریت قرن که ایشان در آن زندگی کردند از بعضی وجوه خاص می بود پس به شکل مطلق بهترین قرن ها نمی بود.

عقیده اهل سنت در فضیلت صحابه کرام:

اهل سنت برای عموم یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اعتبار زیادی قایلند؛ از نظر اهل سنت تعظیم و تکریم صحابه و محبت با آنان و مدح و ستایش شان واجب است؛ و نیز لازم است که در خصوص اختلافات و مشاجرات آن ها سکوت کرده شود و هیچ کدام مورد اتهام قرار داده نشود. در تمام کتب اسلامی در خصوص این عقیده اجماع بیان شده است.

ابن تیمیه - رحمه الله - در کتاب (الصارم المسلول) در رابطه به فضایل و خصوصیات صحابه کرام آیات و احادیث زیادی آورده و سپس فرموده است که: "و هذا مما لا نعلم فيه خلافاً بين أهل الفقه والعلم من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم والتابعين لهم بإحسان وسائر أهل السنة والجماعة فإنهم مجمعون على أن الواجب الثناء عليهم والاستغفار لهم والترحم عليهم والترضي عنهم واعتقاد محبتهم وموالاتهم وعقوبة من أساء فيهم القول".¹

ترجمه: « در این باره علما و فقهای صحابه و تابعین و تمام اهل سنت و جماعت اختلاف ندارند؛ و همه اجماع دارند که مدح و ستایش صحابه کرام و استغفار برای آنها واجب است، برای آنان دعای رحمت و رضای الهی خواستن، و عقیده به محبت و دوستی آنان فرض است و کسی را که در حق آنان بی ادبی و یا بد زبانی کند، مجازات او را لازم می دانند.»

بر امت محمدی واجب است که به تمام صحابه کرام مدح و ثنا گویند و برای آنها استغفار کنند و آنان را باد دعای رحمت و رضای خدا یاد کنند، و بر محبت و دوستی آنان ایمان داشته باشند، و کسی را که در حق آنان با سوء پیش آید مورد مجازات قرار دهند.

همچنان در کتاب (جلاء العينين في محاكمة الأحمدين) در مورد مشاجرات صحابه کرام عقیده اهل سنت را چنین ذکر کرده است: "و بمسكون عما شجر بين الصحابة ويقولون: إن هذه الآثار المروية في مساوئهم منها ما هو كذب ومنها ما قد زيد فيه وغيره عن وجهه والصحيح منه هم فيه معذورون، إما مخطئون مجتهدون وإما مصيبون مجتهدون - وهم مع ذلك لا يعتقدون أن كل واحد من الصحابة معصوم عن كبائر الإثم وصغائره بل تجوز عليهم الذنوب في الجملة ولهم من السوابق والفضائل ما يوجب مغفرة ما صدر منهم إن صدر، حتى إنه يغفر لهم من السيئات ما لا يغفر لمن بعدهم لأن لهم من الحسنات التي تمحو السيئات ما ليس لمن بعدهم".²

ترجمه: «اهل سنت والجماعت از ذکر اختلافات صحابه خود داری نموده و به نسبت روایاتی که در آن ها عیبی به صحابه کرام نسبت داده شده است می گویند: برخی از این روایات کاملاً دروغ است و در برخی دیگری زیادت به کار رفته وجه آن را تغییر داده اند، و روایاتی که صحیح باشد، پس از آنها معذور اند (زیرا آنچه آنان انجام داده اند برای خدا و از روی اجتهاد انجام داده اند) و در این اجتهاد یا بر صواب بوده اند (که مستحق دو اجر میشوند) و یا بر اشتباه بوده اند (که سزاوار یک اجر می شوند) و با این حال اهل سنت صحابه را به صورت اجمال از گناه بزرگ یا کوچک معصوم نمی دانند، بلکه معتقد اند که صدور گناه از آن ها ممکن است؛ اما فضایل و خدمات ارزنده آنان تا حدی است که باعث مغفرت آن ها قرار می گردد، و آنان تا جایی مورد مغفرت قرار میگیرند که هیچ کس بعد از ایشان از چنین مغفرت بهره مند نمی شود، چرا که آنان از چنان نیکی های بزرگی بهره مند هستند که مردمان پسین از آنان بهره مند نیستند.»

از نظر اهل سنت و الجماعت، از جمله عقاید و اصول مقرر اسلام در حق صحابه کرام محبت داشتن با ایشان است؛ خواه از جمله مهاجرین باشند یا انصار و هکذا محبت داشتن با هر کسی که از ایشان را پیروی میکنند.

همچنان اهل سنت والجماعت به فضیلت همه صحابه کرام معتقد اند، چه صحابی خوردسال باشد یا بزرگ سال، از جمله پیشگامان باشد و یا از پسینان. (لازم است بدانیم که با وصف تمام این احترامی که اهل سنت به صحابه کرام دارند، البته هیچگاه صحابه کرام را معصوم از خطا و گناه نمی دانند چون ایشان عصمت را فقط به انبیای کرام ثابت میکنند، و همچنان در محبت ایشان غلو و افراط نمی کنند مثل کسانی که در محبت برخی از صحابه غلو نموده اند تا سرحد که آنها را خالی از گناه می دانند).³

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می فرماید:⁴ از جمله اصول اهل سنت است که کینه و بدی هیچ کدام از صحابه را به دل نمی گیرند و به الفاظ بد یاد نمی کنند، کنند، چنانچه الله متعال در مورد چنین افراد در قرآن کریم می فرماید: (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ) 5

ترجمه: (و نیز) کسانی که بعد از آنان (مهاجرین و انصار) آمده اند (و) می گویند: پروردگارا! بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند (هیچ گونه) کینه نگذار، پروردگارا! راستی که تو رؤوف و مهربانی.

عبدالله ابن عباس - رضی الله عنهما - در صحابه کرام می فرماید: "الله متعال ثنا و صفت صحابه را بیان کرده و نام و ذکر ایشان را پاک و مطهر گردانیده و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به چنان صحابه و دوستان امتیاز بخشیده است که ایشان را به نفس ها و مال های خود ترجیح میدادند و در کتاب خود آنان را چنین توصیف میدارد که: (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُغَمًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَأُ فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَطَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجَبُ الزَّرْعَ لَيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)

¹ شيخ الإسلام ابن تيمية: الصارم المسلول على شاتم الرسول، تحقيق محمد محي الدين عبد الحميد، ناشر الحرس الوطني السعودي در کشور عربستان سعودی.

² الألويسي: نعمان بن محمود بن عبد الله، أبو البركات خير الدين، الألويسي، جلاء العينين في محاكمة الأحمدين، ناشر كتابخانه مدینه، سال نشر 1401 هـ - 1981 م، ص 77.

³ الألويسي: نعمان بن محمود بن عبد الله، أبو البركات خير الدين، الألويسي، جلاء العينين في محاكمة الأحمدين، مطبعة المدني، سال نشر 1401 هـ - 1981 م، ص 77.

⁴ المصلح: خالد بن عبد الله بن محمد المصلح، شرح العقيدة الواسطية من كلام شيخ الإسلام ابن تيمية، دار ابن الجوزي، الدمام، کشور عربستان سعودی، چاپ اول سال 1421 هـ، ص

177.

⁵ حشر 10

همچنان معالم دین را عملی ساختند و راه اجتهاد را برای مردم خالص گردانیدند و همان بود که پایه ها و اسباب اجتهاد در بین مردم تقویت یافت.¹
 مالک بن انس رحمه الله می فرماید: کسی که با یکی از اصحاب رسول - صلی الله علیه وسلم - بغض و عداوت داشته باشد در حالی که در قلبش غل و غش قرار داشته باشد پس در فیء مسلمانان هیچ حق ندارد، سپس این آیت را تلاوت کرد: [مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى] إِلَى [وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ].²
 مراتب صحابه کرام در فضیلت و برتری:

رتبه و مقام مهاجرین و انصار در میان اصحاب کرام - رضوان الله علیهم اجمعین - از دیگران برتر است و از میان مهاجرین و انصار رتبه اهل حدیبیه، و از تمام آن رتبه و منزلت اهل بدر، و از میان اهل بدر مقام خلفاء چهارگانه برتر میباشد.³
 مراتب فضیلت و برتری در میان خلفای چهارگانه بر حسب مراتب ایشان در خلافت میباشد که بلندترین شان در مرتبه ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - سپس عمر - رضی الله عنه - سپس عثمان - رضی الله عنه - و بعد از ایشان علی - رضی الله عنه - میباشد.

این قول جمهور است، اما بعضی از اهل سنت، علی - رضی الله عنه - را بر عثمان - رضی الله عنه - تقدم می بخشند البته اینها اهل کوفه میباشند در غیر آن اهل سنت همه به این اتفاق دارند که ترتیب صحابه کرام در فضیلت به مثل ترتیب شان در خلافت میباشد.⁴
 حدیثی به این مناسبت از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت است که او فرمود:

(كُنَّا نُخَيِّرُ بَيْنَ النَّاسِ فِي زَمَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنُخَيِّرُ أَبَا بَكْرٍ، ثُمَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، ثُمَّ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ)⁵

" در زمان رسول - صلی الله علیه وسلم - در باره برتری مردم با هم صحبت می کردیم پس ما (صحابه) نخست ابوبکر را بعدا عمر و بعدا عثمان - رضی الله عنهم - را از همه برتر قرار می دادیم "

امام احمد در تعلیق این حدیث می فرماید: بهترین امت بعد از رسول - صلی الله علیه وسلم - ابو بکر، و عمر بعد از ابو بکر، و عثمان بعد از عمر، و علی بعد از عثمان میباشد و اینها خلفاء راشدین هستند و در مرتبه بعد از اینها همه اصحاب رسول - صل الله علیه وسلم - قرار دارند.⁶
 هکذا اهل سنت در مورد صحابه کرام تعصب نداشته هر آنچه که از فضیلت صحابه در قرآن، سنت و اجماع آمده است می پذیرند.

برخی از علماء، صحابه کرام را به طبقات تقسیم می کنند مانند ابن حجر عسقلانی که در کتاب خویش (الإصابة في تمييز الصحابة) صحابه را به طبقات ذیل تقسیم نموده است.⁷

1. کسانی که در مکه در اسلام آوردن پیشی گرفتند مانند خلفاء اربعه.
2. صحابه که قبل از مشوره کردن اهل مکه در دار الندوه ایمان آوردند.
3. مهاجرین حبشه.
4. اصحاب عقبه اول.
5. اصحاب عقبه دوم.
6. اولین مهاجرین که به نبی - صلی الله علیه وسلم - در قبا پیوستند، پیش از آنکه جناب رسول - صلی الله علیه وسلم - به مدینه داخل شوند.
7. اهل بدر.
8. آنانکه بین غزوه بدر و صلح حدیبیه مهاجرت کردند.
9. اهل بیعت الرضوان در حدیبیه.
10. آنانکه بین حدیبیه و فتح مکه هجرت کردند مانند: خالد بن ولید و عمرو بن العاص.
11. آنانیکه در روز فتح مکه مسلمان شدند.
12. اطفال خورد سالی که رسول - صلی الله علیه وسلم - را در روز فتح در حجة الوداع به چشم های شان دیدند.

مبحث دوم: نقش صحابه کرام در حفظ و روایت حدیث

آمادگی و استعداد صحابه به حفظ حدیث

عرب ها قبل از بعثت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در جهالت محض به سر می بردند و بت ها را تراشیده و آن ها را عبادت میکردند. برخی از ایشان دختران خود را از شرم و عار زنده به گور کرده می کشتند.

عصبیت قبیله گرای در رگ های شان عمیقاً ریشیه دوانیده بود و حالت بیشرت مردم آن روز به همین منوال بود.

¹ عائض : ناصر بن علي عائض حسن الشيخ، عقيدة أهل السنة والجماعة في الصحابة الكرام رضي الله عنهم، كتابخانه الرشد، الرياض، کشور عربستان سعودی، چاپ سوم، 1421هـ/2000م، جز اول، ص 96.

² مرجع سابق : جلد اول، ص 104.

³ لکنوی : علامه عبدالشکور لکنوی، زندگانی خلفای راشدین، مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور، ص 34.

⁴ الخلف : سعود بن عبد العزيز الخلف، أصول مسائل العقيدة عند السلف وعند المبتدعة، سال چاپ 1420هـ-1421هـ، جلد 2، ص 107.

⁵ البخاري : محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري، محقق محمد زهير زهير بن ناصر الناصر، ناشر دار طوق النجاة، چاپ اول سال 1422هـ، شمای حدیث 3655، جلد 5، ص 4.

⁶ أصول مسائل العقيدة عند السلف وعند المبتدعة : جز اول، ص 170.

⁷ العسقلاني : أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، ناشر دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، سال 1415 هـ، جلد اول، ص 83.

اما رحمت الهی شامل حال بشریت گردید و جناب رسول -صلی الله علیه وسلم- را به صفت رحمت للعالمین برای شان فرستاد، تا آنها را از بند واسارت جهل و ظلمت شرک و بی بندوباری ها وارهانند.

رسول -صلی الله علیه وسلم- ابتدا به دعوت مخفی و سپس به دعوت علنی شروع کرد و مردم را به روشنی اسلام و ایمان منور ساخت. اشخاص هوشیار و چیز فهم درک کردند که راه سعادت حقیقی در اسلام و در آنچه که رسول -صلی الله علیه وسلم- می فرماید نهفته است، بنا بر این بود که به دین محمد -صلی الله علیه وسلم- تمسک جستند و هر آنچه از رسول -صلی الله علیه وسلم- در مورد قرآن و یا هم از سنت می شنیدند با جان و دل آن را حفظ می کردند و در سینه های شان جمع می کرد.

بعد از آن وقتی مسلمانان به مدینه منوره هجرت کردند زمینه شنیدن و فراگیری بیشتر از رسول -صلی الله علیه وسلم- را برای شان فراهم شد. اما اکثر صحابه کرام چون امی بودند لذا اتکاء شان بر حفظ بود، چنانچه قبل از اسلام شعر ها و انساب خویش را حفظ می کردند، پس این دو عامل یعنی عامل روحی و عامل فطری سبب شد که صحابه کرام به موفقیت های دست یافتند که تا عصر حاضر کسی به آن دست نیافته چون ایشان بودند که قرآن و سنت را حفظ کردند و زندگی خویش را مطابق آن عیار نمودند و به شکل صادقانه و واقع بینانه به اسلام تمسک جستند.

عصر فتنه و کوشش های صحابه در زمینه حفظ حدیث

صحابه کرام مکان و مرتبه سنت نبوی را به خوبی درک کرده بودند و از جانب دیگر محبت شدید که به محمد -صلی الله علیه وسلم- داشتند، احادیث ایشان را می شنیدند و آن را در زندگی های خویش تطبیق می کردند و آن را به نسل های بعد از خویش به نحو بسیار احسن انتقال دادند.

بدون شک صحابه کرام در جهت حفظ حدیث سعی بسیار زیاد را به خرج دادند تا آن را به نسل های بعد به شکل دقیق آن برسانند. حفظ احادیث در قلب ها، فهم آن توسط عقل ها، تدوین آن در کتب، و نشر آن در بین مردم، و تطبیق آن در همه مجالات زندگی، در محافظت از حدیث نبوی خیلی کمک کرد.

بعد از وفات رسول -صلی الله علیه وسلم- صحابه کرام به تبلیغ و دعوت مردم به سوی قرآن و سنت پرداختند، جهت اینکه بتوانند حدیث را به نسل های بعد از خود به شکل خوب انتقال داده باشد با کتابت حدیث شروع کردند.

البته ناگفته نباید گذاشت که کتابت حدیث در دو مرحله صورت گرفته است :

مرحله اول: جمع حدیث در صحف خاص به کسانی که در آن نوشته می کردند البته این صحف نزد همان افراد بود و میان مردم عمومیت نداشت و این مرحله همان عصر رسول -صلی الله علیه وسلم- بود. مانند صحیفه عبدالله ابن عمرو بن العاص، ویا مانند صحیفه که نزد علی -رضی الله عنه- بود و در آن احکام دین و آزادی اسیران ذکر بود.

مرحله دوم: مرحله که حدیث نوشته شد و مردم به کتابت و تدوین احادیث پرداختند و این مرحله از قرن دوم هجری آغاز میشود. در هر دوم مرحله فوق احادیث فقط جمع آوری شد و به شکل ابواب منظم نبود، با گذشت زمان، از قرن سوم به بعد کتابت حدیث پیشرفت کرد و رنگ دیگری به خود گرفت که آن به نام عصر تدوین یاد میشود.

هنگامیکه عصر فتنه که مصادف با شهادت عثمان -رضی الله عنه- و سپس شهادت حسین -رضی الله عنه- بود، ظاهر شد و فرق ضاله هر کدام برای نصرت خویش احادیث دروغین را وضع می کردند. همین هنگام بود که صحابه کرام کوشش های خویش را در حفظ حدیث انجام دادند من جمله:¹

1. تفتیش در اسناد و حالات راویان را آغاز نمودند.
2. علمای از صحابه مردم را به احتیاط کردن در وقت گرفتن حدیث تشویق کردند.
3. سفر کردن صحابه کرام غرض فراگیری احادیث به مناطق بسیار دور دست.
4. احادیث راویان را به بررسی گرفته آن را با روایات راویانی که از اتقان بیشتر برخوردار می بودند عرضه می کردند، اگر موافق با روایت آنان می بود آنرا می گرفتند و اگر خلاف آنها می بود دوباره رد می کردند.

همچنان در رابطه به جهود صحابه کرام جهت خدمت به حدیث و حفظ آن در کتب متعدد مسائل متعدد دیگری نیز ذکر شده است از جمله:

1- سوگند دادن راوی به صدق روایت اش :

ذهبی در مورد شخصیت علی بن ابی طالب -رضی الله عنه- ذکر می کند که : "و كان إماما عالما متحريرا في الأخذ بحدیث أنه يستحلف من يحدثه بالحديث" 2
وی امام و عالم بود و در اخذ و گرفتن زیاد تحقق می کرد، و کسی را که حدیثی را برایش روایت میکرد قسم میداد.

2- طلب شاهد به روایت

ذهبی می گوید: ابو بکر صدیق -رضی الله عنه- از جمله اولین کسانی بود که در اخبار زیاد احتیاط می کرد. 3

ابن شهاب از قبیسه بن ذویب روایت می کند که او گفت: "جاءت الجدة إلى أبي بكر الصديق رضي الله عنه تسأله ميراثها، فقال مالك في كتاب الله تعالى شيء وما علمت لك في سنة نبي الله صلى الله عليه وسلم شيئا فارجعي حتى أسأل الناس فسأل الناس فقال المغيرة بن شعبة حضرت رسول الله صلى الله عليه وسلم أعطاهما السدس فقال أبو بكر هل معك غيرك؟ فقام محمد بن مسلمة فقال مثل ما قال المغيرة بن شعبة فأنفذه لها أبو بكر رضي الله" 4

¹ عتر : نور الدين عتر، منهج النقد في علوم الحديث، دار الفكر دمشق-سورية، چاپ سوم، سال 1418هـ-1997م، ص 55.

² الذهبي : شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي، تذكرة الحفاظ، دار الكتب العلمية بيروت-لبنان، چاپ اول، سال 1419هـ-1998م، جز 1، ص 14.

³ تذكرة الحفاظ : جلد 1، ص 2.

⁴ السجستاني : سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني الأزدي، سنن أبي داود، ناشر دار الفكر، تحقيق محمد محيي الدين عبد الحميد، شماره حدیث 2894، جلد 2، ص 136. این حدیث حدیث صحیح است و به شرط شیخین میباشد اما آنرا تخریح ننموده.

ترجمه: جدۀ (مادرکلان) نزد ابو بکر صدیق -رضی الله عنه- آمد که میراث خویش را طلب میکرد. ابو بکر -رضی الله عنه- برایش گفت: در کتاب خدا (قرآن) برای تو چیزی نیست و نه هم در سنت برای تو چیزی را سراغ دارم پس برگرد تا که از مردم در مورد پسران کنم. پس از مردم پرسان کردند، مغیره بن شعبه گفت: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- برای جده سدس مال را داده. ابو بکر گفت: آیا همراهی تو کسی دیگری هم است (که این سخن را تاکید کند)؟ محمد بن مسلمه بر خاست و سخن مغیره را تاکید کرد و عین گپ وی را تکرار کرد. پس ابو بکر -رضی الله عنه- در حق جده همان قانون را تطبیق کرد.

3- تأکد از حفظ راوی در بارۀ شنیدن حدیث.

سماک -رضی الله عنه- از جابر بن سمره -رضی الله عنه- روایت می کند که رسول -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: (إِنَّ بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ كَذَابِينَ)، قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَنْتَ سَمِعْتَ هَذَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَعَمْ.¹

اثار صحابه و صحابیات در نشر حدیث

صحابۀ کرام به طریقه های مختلف از رسول -صلی الله علیه وسلم- احادیث را اخذ می کردند که میتوان به چند طریقه آن در ذیل اشاره کرد:

1- مشاهده افعال و تقریرات آن جناب -صلی الله علیه وسلم-

2- سماع و شنیدن

صحابۀ کرام همانطوری که در طریقه های شنیدن از رسول -صلی الله علیه وسلم- مختلف بودند به همان طور در فهم نیز متفاوت بودند، فهم ایشان در ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص و سائر قضایا مختلف بودند، و هر گاهی که برای شان مشکل پیدا میشد به رسول -صلی الله علیه وسلم- رجوع می کردند.

نقش صحابیات در نقل حدیث:

صحابیات نیز از همان وهله اول در حفظ حدیث نقش و رول خود را بازی کرده است، همان گونه که در کار دعوت و تکالیف شرعی دوشادوش مردان قرار داشتند. هنگامی آیت (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)² نازل شد، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: (يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ، اسْتَرَوْا أَنْفُسَكُمْ مِنَ اللَّهِ، لَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا، يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، لَا أُغْنِي عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا، يَا عَبَّاسَ بْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، لَا أُغْنِي عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا، يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، سَلِّبِي بِمَا شِئْتُ لَا أُغْنِي عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا)³

ترجمه: ای جماعت قریش! خودتان را از خداوند بخرید که در برابر خدا برای شما کاری از من ساخته نیست، ای فرزندان عبدالمطلب! ای عباس بن عبدالمطلب! در برابر خدا برای تو از من کاری بر نمی آید. ای صفیه! عمۀ رسول خدا در برابر خدا برای تو کاری از من ساخته نیست، ای فاطمه دختر رسول الله هر چه از مال دنیا می خواهی از من طلب کن، اما در برابر خدا برای تو کاری از من ساخته نیست.

دیدۀ شد که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- چگونه زنان را جدا از مردان مخاطب قرار داد تا مکلفیت آنها را در مسائل شرعی اظهار سازد. همان بود که خدیجه -رضی الله عنها اولین زن بود که به این ندا پاسخ داده و لبیک گفت.

صحابیات در مجالس رسول -صلی الله علیه وسلم- حضور می یافتند حتی در بعضی از محافل بزرگ حضور می یافتند و باری از رسول -صلی الله علیه وسلم- تقاضا کردند که برای شان در روز جداگانه از مردان آموزش دهند.

صحابیات در آموزش دین از رسول -صلی الله علیه وسلم- بسیار حریص بودند و حتی در برخی از پرسش های شان بنا بر این قول که (وَاللَّهِ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ) حیا نمی کردند و پرسشهای خویش را مطرح نموده پاسخ آنرا دریافت می کردند.

قسمی که قبلا اشاره شد از میان زنان خدیجه -رضی الله عنها- اولین قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَنْتَ سَمِعْتَ هَذَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَعَمْ بود که به خواست پیامبر -صلی الله علیه وسلم- پاسخ مثبت داده بود به همین شکل ازواج مطهرات ایشان در عرصۀ تبلیغ دین و نشر سنت نقش مهم خود را بازی کردند از جمله عایشه -رضی الله عنها- که فهم و ذکاوت عالی داشتند و از رسول -صلی الله علیه وسلم- همیشه مسائلی مختلفی را می پرسیدند و با ایشان مناقشه و گفتگو می نمودند.

عایشه -رضی الله عنها- از جمله کسانی است که زیادهترین احادیث را از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت نموده که از لحاظ کثرت روایت در مرتبۀ سوم قرار می گیرند طوری که در حدود 2210 حدیث را از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- روایت کردند.

در برخی از آثار آمده که نزد عایشه -رضی الله عنها- نصف علم وجود داشت. و تقریباً در حدود 299 مرد و 67 زن از ایشان علم آموختند.⁴

ابن سعد در کتابش "الطبقات" از محمود بن لیبید نقل نموده است که او گفت: (أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو، أَخْبَرَنَا مُوسَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَارِثِ التَّمِيمِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَعْبٍ مَوْلَى آلِ عَثْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ لَبِيدٍ، قَالَ: كَانَ أَرْوَاجُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْفَظُونَ مِنْ حَدِيثِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا وَلَا مِثْلًا لِعَائِشَةَ وَأُمِّ سَلْمَةَ، وَكَانَتْ عَائِشَةُ تَقْتِي فِي عَهْدِ عُمَرَ وَعَثْمَانَ إِلَى أَنْ مَاتَتْ، وَيَرْحَمُهَا اللَّهُ، وَكَانَ الْأَكَابِرُ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُمَرُ وَعَثْمَانُ بَعْدَهُ يُرْسِلَانِ إِلَيْهَا فَيَسْأَلَانَهَا عَنِ السُّنَنِ)⁵

ازواج پیامبر -صلی الله علیه وسلم- از حدیث نبی -صلی الله علیه وسلم- بسیار زیاد حفظ می کردند و مثال و بدیل عایشه و ام سلمه -رضی الله عنهما- در زمینه وجود ندارد، و عایشه -رضی الله عنها- در عهد عمر و عثمان فتوا میداد تا آن زمان که وفات نمودند -رحمهما الله- و بزرگان از اصحاب رسول -صلی الله علیه وسلم- مانند عمر و عثمان بعد از وفات پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در مورد سنت از ایشان پرسان می کردند.

¹ صحیح مسلم: کتاب المساقاة، باب الربا، شماری حدیث 2923، جلد 3، ص 1208.

² الشعراء 214

³ النیسابوری: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری،: المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم، محقق محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر دار إحياء التراث العربي - بیروت، شماری حدیث 351، جز 1، ص 192.

⁴ این احصائیات را مصطفی عاشور در مقالی اش بنام (الحركة العلمية النسائية تراث غابت شمس) ذکر کرده است.

⁵ البصري: محمد بن سعد أبو عبد الله البصري، الطبقات الكبرى، محقق إحسان عباس، دار صادر - بیروت، چاپ اول، سال 1968 م، جلد 2، ص 375.

یکی از دلائل تعدد زوجات رسول - صلی الله علیه وسلم- نیز همین قضیه بود تا باشد که میان مردم به خصوص زنان سنت نبوی را نشر- کنند، چون همین ازواج مطهرات بودند که بیشترین وقت شان با رسول - صلی الله علیه وسلم- سپری میشد و از حال و احوال ایشان زیادتر آگاه بودند.¹

نتیجه

بعد از قرآن کریم، حدیث شریف دومین مصدر شریعت اسلامی نزد همه مسلمانان میباشد.

مسلمانان در هر عصر و زمان مکلف اند تا به آن رجوع کنند و مشکلات خویش را در روشنایی قرآن و حدیث حل و فصل نمایند و در همه امور زندگی از آن الهام بگیرند.

چنانچه میان ما معروف است هر آنچه نزد ما دارای ارزش بیشتر باشد ما آن را خوب نگهداری می کنیم و کوشش می کنیم از آن به شکل خوب مواظبت کنیم. اگر حالت ما در رابطه به اشیاء عادی دنیوی چنین باشد، پس در رابطه به حفظ قرآن و حدیث که دو مصدر اساسی دین ما میباشد باید به مراتب بیشتر و بیشتر توجه خویش را به خرج دهیم.

در بحث کنونی (جایگاه صحابه نزد اهل سنت و نقش ایشان در نقل حدیث) که صحابه کرام واقعا همان مشعل های هستند که در زمینه حفظ حدیث برای ما الگو بوده می توانند و ما می توانیم حفظ حدیث را ولو که در عصر فعلی باشد از ایشان فرا بگیریم.

دیدیم که صحابه کرام چگونه برای حفظ حدیث زحمت کشیدند و ابتدا حدیث را در حافظه های خویش جای دادند و بعدا بنا بر ضرورت وقت آن را نوشتند و به همین منوال با گذشت زمان با در نظر داشت ضرورت وقت اسناد آن را جستجو می کردند، و حالت راوی های حدیث را به بررسی می گرفتند، که همه اینها نشاندهنده جهد صحابه در حفظ حدیث بود.

باید ذکر کرد حق که سنت نبوی بر ما دارد تطبیق آن میباشد، تطبیق آن در متن زندگی خویشتن و مردم.

صحابه کرام بهترین الگو در زمینه بودند. حتی بر علاوه صحابه کرام، صحابیات نیز در زمینه سعی خویش را به خرج دادند و در حفظ و نشر و پخش حدیث زحمات را به خرج دادند.

ما در عصر امروزی نیز میتوانیم از زندگانی چنین شخصیت ها الگو بگیریم، از زندگانی ایشان یاد بگیریم که چگونه باید زندگانی خویش را به تطبیق سنت نبوی مطهر سازیم، چگونه باید سنت مشعل زندگانی ما در هر تاریکی و در هر سختی باشد، چگونه باید سنت نبوی را در خانواده های خویش تطبیق نماییم و اصول و تهداب خانواده های خویش را به آن اساس گزارییم.

و بعد از خود دیگران را به این راه تشویق نماییم و سعی و زحمت ما تا سنت اولین ملجا و ماوی مردم در هر قضیه زندگی باشد.

و شاید در همین صورت باشد که مسولیت خویش را در قبال سنت ادا کرده باشیم.

فهرست مصادر:

- قرآن کریم
- المصري : محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصري، لسان العرب، دار صادر - بيروت، چاپ اول.
- القسطلاني: أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس، شهاب الدين، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، المكتبة التوفيقية، القاهرة- مصر.
- العسقلاني : أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، محقق عبد الله بن ضيف الله الرحيلي، چاپ اول، ناشر مطبعة سفير در ریاض سال 1422هـ.
- العسقلاني : أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، دار الكتب العلمية - بيروت، چاپ اول، سال لاولی - 1415 هـ.
- الترمذي : محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، الجامع الصحيح سنن الترمذي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق أحمد محمد شاکر.
- البخاري : محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، الجامع الصحيح المختصر، دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، چاپ سوم، 1407 - 1987، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا.
- عائش : ناصر بن علي عائش حسن الشيخ، عقيدة أهل السنة والجماعة في الصحابة الكرام رضي الله عنهم، كتابخانه الرشد، الرياض، کشور عربستان سعودی، چاپ سوم، 1421هـ/2000م.
- المصلح : خالد بن عبد الله بن محمد المصلح، شرح العقيدة الواسطية من كلام شيخ الإسلام ابن تيمية، دار ابن الجوزي، الدمام، کشور عربستان سعودی، چاپ اول سال 1421هـ.
- لکنوی : علامه عبدالشکور لکنوی، زندگانی خلفای راشدین، مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور.
- 10-ابن تیمیة: تقی الدین شیخ الاسلام احمد بن عبد الحليم بن تيميه، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، تحقيق محمد محي الدين عبد الحميد، ناشر الحرس الوطني السعودي در کشور عربستان سعودی.
- الألوسي : نعمان بن محمود بن عبد الله، أبو البركات خير الدين، الألوسي، جلاء العينين في محاكمة الأحمدين، ناشر كتابخانه مدينه، سال نشر- 1401 هـ - 1981 م.
- 12-الخلف: سعود بن عبد العزيز الخلف، أصول مسائل العقيدة عند السلف وعند المبتدعة، سال چاپ 1420هـ-1421هـ.

¹ أبو زهو : محمد محمد أبو زهو، الحديث والمحدثون، دار الفكر العربي، سال چاپ 1378هـ، ص 53-57.

- 13- البخاري: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الجامع الصحيح، محقق محمد زهير بن ناصر الناصر، ناشر دار طوق النجاة، چاپ اول سال 1422هـ.
- 14- عتر: نور الدين عتر، منهج النقد في علوم الحديث، دار الفكر دمشق-سورية، چاپ سوم، سال 1418هـ-1997م.
- 15- الذهبي: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي، تذكرة الحفاظ، دار الكتب العلمية بيروت-لبنان، چاپ اول، سال 1419هـ-1998م.
- 16- السجستاني: سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني الأزدي، كتاب السنن، ناشر دار الفكر، تحقيق محمد محيي الدين عبد الحميد.
- 17- النيسابوري: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، الجامع الصحيح، محقق محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- 18- البصري: محمد بن سعد أبو عبد الله البصري، الطبقات الكبرى، محقق إحسان عباس، دار صادر - بيروت، چاپ اول، سال 1968 م.
- 19- أبو زهو: محمد محمد أبو زهو، الحديث والمحدثون، دار الفكر العربي، سال چاپ 1378هـ.
- 20. انترنت: مقالة مصطفى عاشور بنام (الحركة العلمية النسائية تراث غابت شمسه).